بازتاب

واکنش دفتر نشر معارف انقلاب به یک گفت‌وگو

نهم اردیبهشت، «شرق» در گفت‌وگو با غلامعلی رجایی به بازخوانی یک اظهارنظر بحث‌برانگیز منتسب به آیت‌الله هاشمی با تیتر« داستان یک توییت بعد از یک دهه» پرداخته است. در واکنش به این گفت‌وگو، دفتر نشر معارف انقلاب به عنوان مسئول حفظ، تدوین و نشر آثار مرحوم هاشمی رفسنجانی، توضیحاتی ارسال کرده است. متن کامل ارسالی به دلیل رعایت قانون مطبوعات واحترام به اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری منتشر می‌شود. در این متن آمده است: «شایان ذکر است در آن تاریخ، جناب آقای محمد هاشمی ریاست دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را به عهده داشته، جناب آقای محمودی محتوای سایت هاشمی رفسنجانی را مدیریت می‌کرد. در توییتر حسابی به نام آیت‌الله هاشمی را با نظر خود از محتوای سخنرانی‌های ایشان فعال نگه می‌داشته است. متأسفانه تقطیع و تغییر یکی از جملات قدیمی مربوط به سال‌های گذشته این سوءتفاهم را ایجاد کرد و که البته مورد مؤاخذه هم قرار گرفت. ابتدا لازم است روایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از توییت جنجالی در جواب یکی از حضار در دیدار نوروزی سال ۱۳۹۵ که همان موقع منتشر شد را یادآوری نمایم.

ایشان فرمودند: نقل این جمله برای من هم تازگی داشت و گفتم که اصل آن جمله را بیاورند که آوردند و دیدم مربوط به تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۸۷ یعنی هفت سال قبل و در مصاحبه مفصل با یک گروه فیلم‌ساز هلندی با موضوع «تاریخچه کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران» است. ایشان با ابراز تأسف از تحریف و تقطیع خودسرانه این جمله و سوءبرداشت از آن و تعجیل بعضی از جریان‌ها و گروه‌ها برای سوءاستفاده از این جمله گفت: اولا به عنوان کسی که در طول دوران زندان ستم‌شاهی، قرآن تفسیر می‌کردم، مصداق و تفسیر عملی آیه «و أعِدّوا لهُم ما استطعتُم مِن قُوّةٍ ومِن رِباطِ الخیلِ تُرهِبون بِهِ عدُوّالله و عدُوّکم» را در شرایط موجود که دشمنان، انقلاب، ایران و اسلام را تهدید می‌کنند، تجهیز قوای نظامی کشور، از جمله تقویت قدرت موشکی کشور را لازم می‌دانم. ثانیا اگر عامه مردم هم ندانند، مسئولان به‌ویژه نظامی‌ها، به‌خوبی می‌دانند که صنایع موشکی در زمان جنگ که من فرماندهی آن را داشتم، از صفر توسط نیروهای صنایع دفاع، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و شروع شد و بعدها در زمان ریاست‌جمهوری‌ام تقویت شد و همیشه بر ضرورت تکمیل و تقویت پروژه موشکی ایران به عنوان قدرت دفاعی و بازدارنده تأکید داشته و دارم. در دوره ریاست‌جمهوری‌ام طرحی برای ساخت ماهواره زهره از سوی وزارت پست و تلگراف داشتیم که در نهایت برای پرتاب نیاز به موشک‌های بالستیک نیرومند بود و به موازات آن برای چنین موشک‌هایی برنامه‌ریزی کرده بودیم که باید هزاران کیلومتر قدرت برد داشته باشد، ولی پیشرفت و توسعه صنعت موشکی هیچ‌گاه از اولویت نیفتاد. در ادامه ایشان به موشک جواب تجاوزات موشکی عراق [مجتمع]، به سابقه فعالیت جهاد سازندگی برای دسترسی ایران به موشک‌های دوربرد اشاره کرد و گفت: اولین راکت‌ها و موشک‌ها را صنایع نظامی با نام فجر و بعد عقاب جهاد سازندگی و سپاه پاسداران [سجیل و شهاب] و صنایع دفاع، [نازعات و زلزال] به نمونه‌سازی و آزمایش موفق رساندند. وی افزود: اواخر جنگ اولین راکت ۷۰ و ۱۳۰کیلومتری را آزمایش و کم‌کم در دوران سازندگی، موشک هدایت شونده را در ایران به یک صنعت بومی تبدیل کردیم. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با بیان تاریخ چگونگی دسترسی ایران به انواع موشک‌ها گفت: به خاطر اهمیتی که به این صنعت می‌دادم، فرزندم محسن را که رشته‌اش مفید برای این صنعت بود، که به کمک صنایع موشکی را در صنایع دفاع، صنایع دفاع، سپاه و جهاد سازندگی فرستاده و کامل شد این صنعت را تقویت کردیم، چون به تجربه دیده بودم که موشک قدرت لازم برای دفاع و پیشگیری است.

و اما در وضعیت امروز در حالی که ۲۰ روزی از آتش‌بس حمله دوم آمریکایی-صهیونی می‌گذرد، با «حرکتی بی‌ثبات‌کننده»، نه‌فقط به عنوان یک اهرم فشار علیه ایران، سعی می‌کنند با محاصره دریایی ایران را در «تله استراتژیک» قرار دهند. تله استراتژیک به شرایطی می‌گویند که هرگونه اقدام یا واکنشی از سوی رقیب، در نهایت به ضرر خودش تمام شده و موقعیت استراتژیک او را تضعیف کند.

اصولا در بحث استراتژی امنیت ملی چند رویکرد در جهان وجود دارد؛ رویکرد اول بر بازدارندگی نظامی مبتنی است که کشورها برای جلوگیری از تهدید توسط همسایگان، قدرت‌های منطقه‌ای یا قدرت‌های جهانی اقدام به تأمین سلاح‌های تاکتیکی و استراتژیک می‌کنند.

رویکرد دوم مبتنی بر ائتلاف است؛ کشورها به‌جای بازدارندگی که باید از درون خودشان تأمین شود، اقدام به ائتلاف با کشورهای همسایه، قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی می‌کنند که از یک حمایت بین‌المللی برخوردار باشند.

رویکرد سوم در حوزه تأمین امنیت ملی، ایجاد منافع مشترک است. کشورها برای تأمین امنیت خود، منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک برخی از کشورهای بزرگ دنیا یا تعدادی از کشورها را تأمین می‌کنند و آن کشورها برای حفظ منافع اقتصادی خودشان در مقابل تهدیدات، از این کشورها دفاع می‌کنند.

رویکرد چهارم، رویکرد کاهش تنش است. برخی از کشورهای که بنیه و تکنولوژی نظامی سطح بالایی ندارند که بازدارندگی ایجاد کنند و منافع حیاتی برای اقتصاد جهانی ندارند، برای تأمین امنیت خودشان به استراتژی کاهش تنش روی می‌آورند و وارد منازعات، درگیری‌ها و چالش‌های جدی با سایر کشورها به‌خصوص کشورهای قدرتمند نمی‌شوند تا این‌گونه از تهدید دور باشند و منافع و منابع ملی خودشان را صرف حوزه نظامی نمی‌کنند که در توسعه‌شان خللی ایجاد شود.

افزایش تنش منجر به افزایش تهدید می‌شود. ما براساس معیارهای اخلاقی، سیاسی و فلسفی خودمان در مورد سایر کشورهای جهان قضاوت می‌کنیم و به‌درستی استکبار جهانی امپریالیسم و نظام سلطه اعتراض داریم.

در مجموع، مقدمه حمله جنگ ۱۲روزه در سال گذشته در پاسخ به عملیات وعده صادق دو ایجاد شد.

نیازمند این هستیم که در حوزه امنیت ملی تغییر دکترین دهیم و استراتژی جدیدی را پیاده کنیم و آن استراتژی جدید باید مبتنی و یا ترکیبی از استراتژی‌های رویکرد سوم و چهارم همراه حفظ آسمان ایران با پدافند قوی باشد.

یعنی منافع کلیدی جهان و اقتصاد جهانی را در ایران توسعه دهیم و دوم استراتژی کاهش تنش با رقبا داشته باشیم تا به نوعی امنیت کشور تأمین و نیاز به درگیری نظامی با ایران کاهش یابد».

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» پاسخ می‌دهند آیا مذاکرات ایران و آمریکا به صلح پایدار ختم می‌شود؟

تعلیق صلح در خاورمیانه

عکس: عباس کوثری، شرق

زهره فراهانی: تنش نیم‌قرنی ایران و آمریکا، صبح روز ۹ اسفند ۱۴۰۴ سرانجام به جنگ رسید؛ زد و خوردی با خسارات گسترده برای دو طرف و البته بدون هیچ خروجی مشخصی برای آنها. جنگ، پله آخر این «کهنه‌تنش» بود و دوباره گزینه مذاکره را روی میز آورد. طرفین به دنبال پایان جنگ بوده و هستند اما با اصراری که مدام بر مواضع خود دارند، هنوز نتوانستند به تفاهم برسند.

این نزاع هم مانند جنگ‌های قرن‌های گذشته چاره‌ای جز میز مذاکره ندارد. هر دو کشور هم به‌خوبی می‌دانند باید منافع خود را در آغاز، انجام و پایان مذاکرات زیرنویس کنند. با وجود این، اختلافات و خواسته‌هایشان از هم، نفس «امید» را کم‌رمق و سنگین کرده است. تجربه‌هایی نظیر برجام نیز پیش‌تر نشان داده‌اند که حتی توافق‌های شکننده و موقت می‌توانند مسیر تنش را تغییر داده و مانع لغزش کشورها به سوی درگیری‌های گسترده‌تر شوند.

در ادامه همین روند، نخستین دور مذاکرات جدید که در اسلام‌آباد و به‌صورت مستقیم و بدون واسطه برگزار شد، بیش از ۲۰ ساعت به طول انجامید؛ نشانه‌ای روشن از پیچیدگی موضوعات و فاصله قابل توجه میان مواضع طرفین. با پایان این دور، هیئت‌های مذاکره‌کننده برای انجام مشورت‌های بیشتر به پایتخت‌های خود بازگشتند؛ مرحله‌ای حساس که معمولا تعیین‌کننده مسیر دورهای بعدی و میزان انعطاف‌پذیری طرفین است. در این میان، افکار عمومی در وضعیتی میان «نه جنگ و نه صلح» قرار گرفته بود؛ وضعیتی که طی سال‌های اخیر به توصیف غالب روابط دو کشور تبدیل شده است. جامعه هم با دقت تحولات را دنبال می‌کرد و در انتظار نشانه‌ای روشن برای خروج از این وضعیت فرسایشی بود.

از سوی دیگر، مواضع و پیام‌های دونالد ترامپ نقش پررنگی در شکل‌دهی به فضای رسانه‌ای داشت. پیام‌هایی که طیفی متناقض از تهدیدهای صریح تا ادعاهایی درباره اختلافات داخلی ایران و حتی اشاره به ارتباط با برخی چهره‌های سیاسی را در بر می‌گرفت، بیش از آنکه صرفا بازتاب واقعیت‌های دیپلماتیک باشد، بخشی از جنگ روایت‌ها و فشار روانی در عرصه بین‌الملل تلقی می‌شد.

در داخل کشور نیز این پرسش مطرح بود که منشأ این روایت‌های متنوع و گاه متناقض چیست و چگونه اطلاعات در مسیرهای رسمی یا غیررسمی بازتفسیر می‌شوند. در هر نظام سیاسی، وجود اختلاف‌نظر امری طبیعی است، اما زمانی که این اختلافات به ابزار فشار خارجی یا بهره‌برداری رسانه‌ای تبدیل شوند، می‌توانند پیامدهایی فراتر از سطح سیاسی صرف داشته باشند و بر انسجام داخلی و موقعیت بین‌المللی اثر بگذارند.

هم‌زمان، این تنش‌ها فقط در سطح دیپلماتیک باقی نماند و در برخی تجمعات خیابانی نیز بازتاب یافت. در تجمعات شبانه ملی، شعارها و پلاکاردهایی علیه هرگونه سازش یا مذاکره دیده می‌شد که در برخی موارد حتی لحن انتقادی نسبت به چهره‌هایی مانند محمدباقر قالیباف و تیم مذاکره‌کننده داشت. این صحنه‌ها بازتابی از شکاف‌های درون‌گفتمانی بود که اگرچه در بسیاری از جوامع طبیعی است، اما در بزنگاه‌های حساس می‌تواند بر روند تصمیم‌سازی اثرگذار شود.

در واکنش به این فضای ملتهب، مقامات ارشد کشور از جمله رؤسای قوای سه‌گانه بر ضرورت حفظ انسجام داخلی، پرهیز از دوقطبی‌سازی و تقویت رویکرد تعامل‌محور تأکید کردند. این مواضع در راستای مدیریت فضای عمومی و جلوگیری از تبدیل اختلاف‌نظرها به تقابل‌های فرساینده مطرح شد. در همین راستا، برخی چهره‌های مذهبی و فرهنگی نیز با دعوت به آرامش و پرهیز از جدل‌های سیاسی، بر ضرورت حمایت از تیم‌های مسئول و حفظ همبستگی ملی تأکید کردند؛ موضوعی که نشان می‌داد مدیریت افکار عمومی صرفا در سطح رسمی سیاست خلاصه نمی‌شود و لایه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز در آن نقش‌آفرین‌اند.

با نزدیک‌شدن به پایان آتش‌بس، بار دیگر نشانه‌های تحرک دیپلماتیک آشکار شد و اسلام‌آباد آماده میزبانی دور تازه مذاکرات شد. با این حال، آنچه بیش از خود مذاکرات توجه‌ها را جلب کرد، حجم گسترده خبرهای ضدونقیض در فضای رسانه‌ای بود؛ اخباری که به‌سرعت به موضوعی برای طنز و بی‌اعتمادی عمومی تبدیل شد. در این میان، نام چهره‌هایی مانند جی‌دی ونس، جرد کوشنر و استیو ویتکاف به عنوان بازیگران احتمالی تحولات مطرح شد، در حالی که گزارش‌های متناقض محل حضور آنها را در نقاط مختلفی از جمله آمریکا یا میامی عنوان می‌کردند. این آشفتگی خبری بیش از هر چیز نشان‌دهنده رقابت روایت‌ها و تلاش برای اثرگذاری بر افکار عمومی بود. در داخل ایران نیز با وجود برخی محدودیت‌های رسانه‌ای، فضای مجازی مملو از تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌ها باقی ماند.

در سطح رسمی، تهران تأکید داشت بدون حل مسئله «محاصره دریایی»، ورود به مذاکرات معنای واقعی نخواهد داشت؛ موضعی که نشان‌دهنده پیوند عمیق میان امنیت، اقتصاد و دیپلماسی بود. در این میان، تلاش‌هایی از سوی بازیگران منطقه‌ای برای میانجیگری نیز صورت گرفت، از جمله سفر فرمانده ارتش پاکستان به تهران. با این حال، این تلاش‌ها نیز به نتیجه مشخصی منجر نشد. در مقابل، عباس عراقچی در چارچوب رایزنی‌های فشرده دیپلماتیک به اسلام‌آباد، مسقط و مسکو سفر کرد؛ اقدامی که بار دیگر روزنه‌هایی از امید را در فضای مبهم مذاکرات ایجاد کرد. اما همزمانی این تحرکات با خبرهایی درباره توقف سفر برخی چهره‌های آمریکایی، از جمله کوشنر و ویتکاف، از سوی دونالد ترامپ، بار دیگر فضای مذاکرات را وارد مرحله‌ای از ابهام کرد. این تصمیم برای بسیاری نشانه‌ای از کُندشدن یا حتی توقف روند گفت‌وگوها تلقی شد؛ گویی فصل تازه‌ای از این روند طولانی، با سؤال‌های بیشتری همراه شده است. در نهایت، بازگشت لحن تهدیدآمیز به ادبیات رسمی واشنگتن و اشاره به گزینه‌های سخت و حتی هدف قراردادن زیرساخت‌های حیاتی ایران، بار دیگر نشان داد مرز میان دیپلماسی و تقابل همچنان باریک و شکننده باقی مانده است.

این تصور که هیچ اختلاف نظری وجود ندارد، واقع‌بینانه نیست

دکتر فریدون مجلسی، دیپلمات سابق کشورمان، با اشاره به برگزاری دور نخست مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا پس از دهه‌ها وقفه، این گفت‌وگوها را «تحولی مهم اما ناتمام» توصیف کرد و گفت اختلاف دیدگاه‌ها درباره مسیر آینده کشور میان دو رویکرد «تقابل» و «تعامل دیپلماتیک» همچنان پررنگ است. در پی برگزاری دور اول مذاکرات مستقیم میان ایران و ایالات متحده که پس از سال‌ها وقفه انجام شد و سپس به نتیجه نرسیدن دور دوم گفت‌وگوها، دکتر فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «شرق» به روند این مذاکرات اظهار کرد: نفس برگزاری این گفت‌وگوها یک تحول قابل توجه در روابط دو کشور محسوب می‌شود، اما ادامه مسیر آن با موانع سیاسی و اختلاف‌نظرهای جدی مواجه بوده است. او افزود: در فضای سیاسی کشور این تصور که میان مسئولان هیچ اختلاف نظری وجود ندارد، واقع‌بینانه نیست؛ چراکه در هر ساختار سیاسی طبیعی است که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به موضوعات کلان وجود داشته باشد. به گفته او، این اختلاف‌نظرها عمدتا حول دو رویکرد اصلی شکل گرفته است: گروهی که بر ادامه تقابل و اتکا به قدرت نظامی تأکید دارند و گروهی که معتقدند باید مسیر کشور به سمت توسعه اقتصادی، رفع تحریم‌ها و تعامل با جهان بازگردد.

او در ادامه با اشاره به تجربه تاریخی کشورهایی مانند آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم گفت: این کشورها پس از پذیرش شرایط سخت، با تمرکز بر بازسازی اقتصادی توانستند به قدرت‌های بزرگ اقتصادی تبدیل شوند. او تأکید کرد حتی برخی کشورهای پیروز جنگ نیز امروز به سمت کاهش هزینه‌های نظامی و افزایش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی حرکت کرده‌اند.

مجلسی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر ظرفیت‌های اقتصادی ایران اظهار کرد: ایران با برخورداری از منابع گسترده طبیعی، نیروی انسانی جوان و بازار بالقوه بزرگ، در صورت ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی می‌تواند مسیر رشد سریعی را تجربه کند. به گفته او، در چنین شرایطی حتی امتیازات داده‌شده در مذاکرات نیز در بلندمدت قابل جبران و بازتعریف خواهد بود.

دیپلمات سابق کشورمان با اشاره به پیامدهای ادامه تنش‌ها تصریح کرد: آنچه امروز اهمیت دارد، جلوگیری از آسیب به زیرساخت‌های اقتصادی کشور است و تداوم فشارها و درگیری‌های سیاسی می‌تواند به صنایع کلیدی مانند پتروشیمی، فولاد، بانک‌ها و بیمه‌ها آسیب وارد کرده و روند توسعه کشور را مختل کند. او همچنین با اشاره به وضعیت تحریم‌های طولانی‌مدت گفت: یکی از مسائل اساسی کشور، محدودیت در دسترسی به بازارهای جهانی و هزینه بالای مبادلات اقتصادی است. او تأکید کرد بازگشت به نظام اقتصادی بین‌المللی می‌تواند مسیر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را هموار کرده و زمینه رشد پایدار را فراهم کند.

مجلسی در ادامه با اشاره به فضای دوقطبی در جامعه افزود: تصمیم‌گیری در این حوزه باید با درنظرگرفتن معیشت مردم، اشتغال و آینده نسل جوان انجام شود. مجلسی در بخش پایانی سخنان خود تأکید کرد: دیپلماسی همواره به عنوان یک ابزار پایدار در سیاست خارجی مطرح است و حتی در شرایط بحرانی نیز می‌تواند مسیر گفت‌وگو را باز نگه دارد و راه‌حل پایدار برای کشورها در نهایت نه در تقابل، بلکه در تعامل، احترام متقابل و پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل نهفته است.

به نظر می‌رسد گفت‌وگوها در مرحله‌ای از توقف یا بازبینی قرار گرفته‌اند

در ادامه به روند مذاکرات ایران و آمریکا، از روایت‌های متناقض تا تأکید بر انسجام داخلی و نقش متغیرهای سیاسی می‌پردازیم. فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به آخرین تحولات مرتبط با مذاکرات ایران و آمریکا، با رد برخی ادعاها درباره اختلاف ساختاری در تصمیم‌گیری‌های داخلی، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید کرد سرنوشت گفت‌وگوها بیش از هر چیز به شرایط سیاسی، محاسبات طرفین و میزان انعطاف در مواضع وابسته است.

مالکی گفت: روند مذاکرات در سال‌های اخیر همواره تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل میدانی، سیاسی و رسانه‌ای قرار داشته و همین موضوع باعث شده ارزیابی یک‌دست و قطعی از وضعیت آن دشوار باشد. او با اشاره به برخی روایت‌ها درباره دوره‌های مختلف مذاکرات گفت: در مقاطعی، به دلیل اختلاف بر سر جزئیات یا تغییر در مواضع طرفین، روند گفت‌وگوها با وقفه یا عدم نتیجه‌گیری نهایی مواجه شده است.

این وضعیت در بسیاری از مذاکرات بین‌المللی امری رایج است و نباید آن را به معنای شکست کامل فرایند دیپلماسی تعبیر کرد. این نماینده مجلس در ادامه با اشاره به برخی اظهارنظرهای مقامات خارجی، ازجمله دونالد ترامپ، درباره وجود اختلاف در داخل ایران یا تیم مذاکره‌کننده افزود: چنین مواضعی بیشتر در چارچوب جنگ روانی و فضای رسانه‌ای قابل تحلیل است و الزاما بازتاب‌دهنده واقعیت دقیق ساختار تصمیم‌گیری در ایران نیست.

او تأکید کرد: در ساختار سیاسی ایران، اگرچه مانند هر نظام سیاسی دیگری اختلاف‌نظرهایی درباره روش‌ها و تاکتیک‌ها وجود دارد، اما در سطح کلان تصمیم‌گیری‌های راهبردی، نوعی هماهنگی نهادی و انسجام قابل مشاهده است. این نوع اختلاف دیدگاه‌ها حتی در کشورهای بزرگ و دارای نظام‌های پیچیده سیاسی نیز امری طبیعی و پذیرفته‌شده است. نماینده مردم زاهدان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش چهره‌ها و نهادهای سیاسی در فرایندهای مرتبط با سیاست خارجی اظهار کرد: حضور شخصیت‌های سیاسی در تیم‌های مذاکره‌کننده یا فرایندهای مرتبط، بخشی از تصمیم‌سازی کلان کشور است و نباید به عنوان نشانه‌ای از نبود وحدت تفسیر شود.

در مقاطع حساس، شاهد شکل‌گیری موج‌های حمایتی در سطح جامعه از نهادهای تصمیم‌گیر بوده‌ایم که این موضوع نشان‌دهنده وجود نوعی سرمایه اجتماعی و حساسیت عمومی نسبت به موضوعات کلان کشور است. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در ادامه با اشاره به وضعیت کنونی مذاکرات افزود: در حال حاضر، به نظر می‌رسد گفت‌وگوها در مرحله‌ای از توقف یا بازبینی قرار گرفته‌اند و ادامه آن منوط به تغییر در برخی شرایط و همچنین بازتعریف انتظارات و خواسته‌های طرفین است. او تصریح کرد: یکی از عوامل تعیین‌کننده در آینده مذاکرات، میزان پذیرش واقعیت‌های موجود از سوی طرف مقابل و پرهیز از طرح مطالبات غیرقابل تحقق است. به گفته او، در صورتی که چارچوبی مبتنی بر احترام متقابل و درک واقع‌بینانه از شرایط شکل بگیرد، امکان احیای مسیر دیپلماسی همچنان وجود خواهد داشت. فداحسین مالکی در پایان خاطرنشان کرد: تجربه مذاکرات بین‌المللی نشان می‌دهد هیچ روندی ذاتا بسته یا پایان‌یافته نیست و حتی پس از دوره‌های تنش یا توقف، امکان بازگشت به میز گفت‌وگو وجود دارد. آینده این پرونده بیش از هر چیز به اراده سیاسی طرفین و میزان آمادگی برای رسیدن به یک چارچوب مشترک وابسته است.

شکاف عمیق در مطالبات طرفین

امیر پسنده‌پور، کارشناس مسائل بین‌الملل، با اشاره به توقف دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا، مجموعه‌ای از عوامل ازجمله «شکاف عمیق در مطالبات طرفین»، «عدم توازن در اهرم‌های فشار»، «فشارهای اقتصادی و امنیتی» و «تبدیل برخی پرونده‌ها به موضوعات هویتی» را از دلایل اصلی پیچیدگی و شکندگی روند دیپلماسی میان دو طرف عنوان کرد. در ادامه بحث‌ها درباره آینده مذاکرات ایران و ایالات متحده، امیر پسنده‌پور در گفت‌وگو با «شرق»، دلایل توقف دور دوم گفت‌وگوها را چندلایه و متأثر از مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و سیاسی دانست. او در ابتدای این تحلیل اظهار کرد: مهم‌ترین عامل بازدارنده در مسیر مذاکرات، فاصله قابل توجه میان سطح مطالبات و میزان امتیازاتی است که طرفین حاضر به پذیرش آن هستند؛ فاصله‌ای که به گفته او: «کف و سقف خواسته‌ها را به‌گونه‌ای غیرقابل جمع در برابر هم قرار داده است». این کارشناس با اشاره به موقعیت ایالات متحده گفت: آمریکا با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع فشار ازجمله تحریم‌های اقتصادی، فشارهای مالی و ظرفیت اثرگذاری ژئوپلیتیکی، خود را در موقعیت برتر مذاکراتی می‌بیند و همین مسئله موجب شده سطح انعطاف آن در گفت‌وگوها محدودتر باشد. او افزود: در چنین شرایطی، توازن سنتی در مذاکرات دوجانبه شکل نمی‌گیرد و همین عدم توازن، یکی از عوامل اصلی پیچیده‌شدن روند گفت‌وگوهاست.

او در ادامه با اشاره به موضوع برنامه هسته‌ای ایران اظهار کرد: این پرونده طی دو دهه گذشته از یک موضوع فنی و سیاسی، به یک مسئله راهبردی و تا حدی هویتی در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. درخواست‌هایی مانند کاهش چشمگیر سطح ذخایر اورانیوم غنی‌شده یا توقف کامل غنی‌سازی، از سوی طرف مقابل به عنوان مطالبات حداکثری مطرح می‌شود؛ در حالی که از نگاه ایران، این موضوع در چارچوب «حقوق ملی و فناوری بومی» تعریف شده است. همین تغییر ماهیت از «ابزار مذاکره» به «موضوع هویتی»، فضای مانور دیپلماتیک را به‌شدت محدود کرده است.

پسنده‌پور در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مفهوم دیپلماسی در شرایط تنش گفت: دیپلماسی در وضعیت‌های عادی کارکردی متفاوت از شرایط بحران دارد؛ اما در شرایطی که تنش و درگیری به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم وجود دارد، این ابزار عملا به بخشی از همان رقابت تبدیل می‌شود. در چنین فضایی، دیپلماسی دیگر صرفا ابزار حل اختلاف نیست، بلکه می‌تواند ادامه‌ای از جنگ در قالبی متفاوت باشد؛ جایی که به‌جای ابزار نظامی، ابزار سیاسی و اقتصادی برای پیشبرد اهداف استفاده می‌شود.

این تحلیلگر در ادامه با اشاره به نقش کشورهایی مانند پاکستان در میانجیگری احتمالی گفت: انتخاب میانجی در مناقشات بزرگ نیازمند بی‌طرفی کامل و توازن ژئوپلیتیکی است، در حالی که برخی روابط و وابستگی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند این بی‌طرفی را تحت تأثیر قرار دهد. همین پیچیدگی‌ها باعث شده ظرفیت میانجیگری برخی کشورها برای کاهش شکاف میان طرفین محدود باشد و نتواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد مذاکرات ایفا کند.

او همچنین با اشاره به سابقه طولانی تنش میان ایران و آمریکا گفت: ریشه‌های این منازعه به نزدیک نیم‌قرن گذشته بازمی‌گردد و مجموعه‌ای از پرونده‌های امنیتی، سیاسی و منطقه‌ای را در بر می‌گیرد؛ از تحریم‌ها گرفته تا بحران‌های منطقه‌ای و اختلافات راهبردی. در چنین شرایطی، هرچه زمان بیشتری بدون توافق سپری شود، ظرفیت دیپلماسی نیز دچار فرسایش می‌شود و بازگشت به نقطه توافق دشوارتر خواهد شد.

این کارشناس در ادامه با اشاره به آینده روند مذاکرات هشدار داد: در صورت عدم دستیابی به توافق از مسیر دیپلماسی، احتمال بازگشت تنش‌ها و حتی درگیری‌های نظامی محدود یا گسترده وجود دارد. چنین سناریویی می‌تواند پیامدهای منطقه‌ای گسترده‌ای به همراه داشته باشد و بر امنیت و ثبات کشورهای پیرامونی نیز اثرگذار باشد. تجربه منازعات مشابه نشان داده هرگونه تشدید درگیری، ترمیم اعتماد و بازسازی روابط را در آینده بسیار دشوارتر می‌کند. پسنده‌پور در پایان خاطرنشان کرد: با وجود تمامی پیچیدگی‌ها، مسیر دیپلماسی همچنان به‌طور کامل بسته نشده، اما احیای آن نیازمند تغییر در محاسبات سیاسی، کاهش انتظارات حداکثری و پذیرش واقعیت‌های موجود در صحنه بین‌الملل است. آینده این پرونده نه صرفا در میز مذاکره، بلکه در تعامل هم‌زمان عوامل سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی رقم خواهد خورد.

فداحسین مالکی: در ساختار سیاسی ایران، اگرچه مانند هر نظام سیاسی دیگری اختلاف‌نظرهایی درباره روش‌ها و تاکتیک‌ها وجود دارد، اما در سطح کلان تصمیم‌گیری‌های راهبردی، نوعی هماهنگی نهادی و انسجام قابل مشاهده است. این نوع اختلاف دیدگاه‌ها حتی در کشورهای بزرگ و دارای نظام‌های پیچیده سیاسی نیز امری طبیعی و پذیرفته‌شده است. حضور شخصیت‌های سیاسی در تیم‌های مذاکره‌کننده یا فرایندهای مرتبط، بخشی از تصمیم‌سازی کلان کشور است و نباید به‌عنوان نشانه‌ای از نبود وحدت تفسیر شود

امیر پسنده‌پور: آمریکا با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع فشار ازجمله تحریم‌های اقتصادی، فشارهای مالی و ظرفیت اثرگذاری ژئوپلیتیکی، خود را در موقعیت برتر مذاکراتی می‌بیند و همین مسئله موجب شده سطح انعطاف آن در گفت‌وگوها محدودتر باشد. با وجود تمامی پیچیدگی‌ها، مسیر دیپلماسی همچنان به‌طور کامل بسته نشده، اما احیای آن نیازمند تغییر در محاسبات سیاسی، کاهش انتظارات حداکثری و پذیرش واقعیت‌های موجود در صحنه بین‌الملل است. آینده این پرونده نه صرفا در میز مذاکره، بلکه در تعامل هم‌زمان عوامل سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی رقم خواهد خورد

فریدون مجلسی: در فضای سیاسی کشور، این تصور که میان مسئولان هیچ اختلاف‌نظری وجود ندارد، واقع‌بینانه نیست؛ چراکه در هر ساختار سیاسی‌ای طبیعی است که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به موضوعات کلان وجود داشته باشد. این اختلاف‌نظرها عمدتا حول دو رویکرد اصلی شکل گرفته است: گروهی که بر ادامه تقابل و اتکا به قدرت نظامی تأکید دارند و گروهی که معتقدند باید مسیر کشور به سمت توسعه اقتصادی، رفع تحریم‌ها و تعامل با جهان بازگردد